

Research Article

Vol 16, Issue 2, Summer 2024, Ser 60, PP: 87-110

Title: Complaints in the Poetry of Simin Behbahani based on the Collection of Poems "*Chelcheragh* " and "*Yek dariche azadi*"

Authors: Azadeh Tayebi
Kobra Nodehi*
Taghi Amini Mofrad

Abstract: Lyrical poetry is emotional poetry that comes from the depth of the poet's being and expresses his most original and intimate feelings. This type of poetry is a mirror of the whole interior view and expresses the poet's conscience, and it has different types, all of which are taken from the poet's emotional and fragile self, and their impact is due to the fact that it arises from the depth of being and sits on the heart. . One of the types of lyric poetry is Bath-al-Shakvi, which literally means complaint and heartache, and in it the poet rises to glory from all the factors that messed up his emotional, social, political and existential philosophy and the human race. And she undergoes changes and distortions, and sometimes she sits with the audience with tears, sometimes with reproaches, and sometimes with lamentations, and she expresses the causes of her suffering and distress. Simin Behbahani is one of the contemporary poets who has spoken in her poems in the form of complaints about the disorders of life such as the neglect of feelings, romantic resentment, as well as protesting the conditions of the society in which she lived and the suffering of the people of the time. In this article, the authors try to describe and analyze the types of complaints in the books of poems "*Chalcharagh*" and "*Yek dariche azadi*" written by Simin Behbahani. The findings of the research show that personal complaints have a higher frequency than other complaints in both collections, and the reason for this can be seen in the failures of the poet's family life and her sensitive and feminine spirit. These complaints are the best way to find out the poet's mental and psychological characteristics and present a picture of her personal life to the audience

Key words: lyrical poetry, complaint and herd, Simin Behbahani, *Chelcheragh*, *Yek dariche azadi*.

Received: 2022-10-24

Accepted: 2023-04-08

* Assistant Prof of Persian Language and Literature of Islamic Azad University, Gorgan, Iran, kobranodehi@iau.ac.ir

DOI: [10.22099/JBA.2023.44972.4309](https://doi.org/10.22099/JBA.2023.44972.4309)



مقاله‌ی علمی پژوهشی، سال ۱۶، تابستان ۱۴۰۳، شماره‌ی دوم، پیاپی ۶۰، صص ۸۷-۱۱۰

بررسی و تطبیق شکواییه‌ها در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر دو مجموعه شعر
چلچراغ و یک دریچه آزادی

آزاده طیبی*

کبری نوده‌ی**

تقی امینی مفرد***

چکیده

شعر غنایی شعری عاطفی است که از عمق وجود شاعر برمی‌آید و اصیل‌ترین و صمیمی‌ترین احساسات او را بیان می‌کند. این نوع شعر آینه‌ی تمام‌نمای درونیات و بیان‌کننده‌ی مافی‌الضمیر شاعر است و انواعی دارد که تمامی آن‌ها برگرفته از من احساسی و شکننده‌ی شاعر است و اثرگذاری آن‌ها به این دلیل است که از عمق وجود برمی‌خیزد و بر دل می‌نشیند. یکی از انواع شعر غنایی، بث‌الشکوی است که در لغت به معنی گلایه و درد دل آمده و شاعر در آن به شکوه از تمام عواملی برمی‌خیزد که زندگی احساسی، اجتماعی، سیاسی و فلسفه‌ی وجودی او و نوع بشر را به هم می‌ریزد و دستخوش تغییر و تحریف می‌کند و گاه با مویه، زمانی با سرزنش و گاهی با ناله به درد دل با مخاطب می‌نشیند و عوامل رنج و پریشانی خاطر خود را بیان می‌کند. سیمین

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران tayyebi269@gmail.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران kobranodehi@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران amini@gorganiau.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۸/۲

DOI: 10.22099/JBA.2023.44972.4309

شاپا چاپی: ۸۱۸۳-۲۰۰۸



شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۷۷۵۱

به‌بهانی یکی از شاعران معاصری است که اشعارش در قالب شکایت از نابسامانی‌هایی زندگی همچون نادیده‌گرفته‌شدن احساسات، رنجش عاشقانه و همچنین اعتراض به اوضاع جامعه‌ای است که در آن زیسته و رنجی که مردمان زمانه می‌برند. در این مقاله، نگارندگان سعی دارند به روش توصیفی-تحلیلی انواع شکواییه را در دفاتر شعر «چلچراغ» و «یک دریچه آزادی» سروده‌ی سیمین به‌بهانی بررسی و تحلیل کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شکواییه‌های شخصی در هر دو مجموعه بسامد بالاتری نسبت به سایر شکواییه‌ها دارد و دلیل آن را می‌توان در شکست‌های زندگی خانوادگی شاعر و روح حساس و زنانه‌ی وی دانست. این شکواییه‌ها بهترین راه برای پی بردن به خصوصیات روحی و روانی شاعر است و تصویری از زندگی شخصی او را به مخاطب ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: چلچراغ، سیمین به‌بهانی، شعر غنایی، شکایت و گله، یک دریچه آزادی.

۱. مقدمه

اشعاری که از عواطف و احساسات درونی شاعر خبر می‌دهند، باعنوان شعر غنایی شناخته می‌شوند. در این نوع شعر، نگاه شاعر به زندگی کاملاً درونی و سرشار از احساسی عمیق است. شاعر در شعر غنایی، به اشعار خود رنگ فلسفی و اجتماعی می‌دهد و با طرح دیدگاه‌های روانی، توجه مخاطب را به احساسات و عواطف خویش معطوف می‌کند (رک. شمیسا، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

«شعر غنایی، طیف وسیعی از معانی و مضامین شاعرانه را به خود اختصاص می‌دهد: از عشق و جوانی تا پیری و مرگ، غم‌ها و شادی‌های ناشی از حوادث روزگار، علایق انسان نسبت به خدا و خلق، وطن‌پرستی، مدح، هجو، عرفان و شطحیات، سوگندنامه‌ها، شکایت‌ها، خمیریات، حبسیات، اخوانیات تا تفننات ادبی، هزل و لغز و معماً و ماده‌ی تاریخ، مناظره، مفاخره، وصف طبیعت و شهرها و... به همین دلیل است که شعر غنایی، دامنه‌دارترین انواع شعر فارسی است.» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۱۶۵).

درواقع این نوع شعر، افق گسترده‌ای است که تمام مضامین عاطفی و معنوی را به خود اختصاص می‌دهد و از این حیث می‌تواند وسیع‌ترین نوع ادبی محسوب شود (رک. رزمجو، ۱۳۹۰: ۸۴).

عاطفه و احساس زمینه‌ی معنوی و درونی شعر محسوب می‌شود و کیفیت آن به اعتبار برخورد شاعر با تمامی عناصر داخلی و خارجی پیرامونش است؛ مانند دیدن صحنه‌ای که ما را متأثر می‌کند و همانند ریزش باران و افتادن یک برگ. عاطفه‌ی هر انسانی به «من» او مربوط می‌شود. در شعرهای عاطفی و رمانتیک شاهد من شخصی و در شعرهای مربوط به اجتماع شاهد من اجتماعی هستیم. من‌های گوناگونی که هر یک تابع نوع دیدگاه و نگرش شاعر هستند و مستقیم با احساس او مرتبطند، در اشعار قابل‌درک و بررسی هستند (رک. شفیع‌کدکنی، ۱۳۹۰: ۸۸).

در ادبیات غنایی غم و اندوه شاعر بر شادی غلبه دارد و اصولاً دید شاعر یا نویسنده به جهان سرشار از ناامیدی و اندوه است (رک. مددی، ۱۴۰۰: ۸). از آنجاکه احساسات شاعر نقطه‌ی عطف ادبیات غنایی است، غیر از مضامین عاشقانه، موضوعات متفاوتی از جنبه‌های مختلف زندگی انسان که به تحریک احساسات او می‌پردازد نیز مد نظر قرار می‌گیرد. هرگونه رنج و شکست، شادی و پیروزی، پیری و ناتوانی و هرآنچه که انسان از دیرباز بدان توجه داشته، در این حیطه قابل‌بحث و بررسی است (رک. زرین‌کوب، ۱۳۹۳: ۹۴).

«شکواییه» یا «بث‌الشکوی» که یکی از اقسام ادب غنایی است، در لغت به معنای شکایت کردن و نالیدن از اوضاع موجود آمده است. شاعر به واسطه‌ی داشتن روح حساس و عاطفه‌ی درونی خود تاب تحمل مشکلاتی را که زندگی و اطرافیان بر وی تحمیل کرده‌اند، ندارد و همواره در حال شکایت است و به موضوعاتی می‌پردازد که سبب ناکامی‌ها و آلام وی شده‌اند (رک. کریمی اصلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۳).

شاعری که در ذهن خود دنیایی آرمانی را پرورش می‌دهد، با قرار گرفتن در محیط ماشینی و خالی از عواطف انسانی دچار تألم و اندوه فراوانی می‌شود. صفای قلب شاعر، توانایی پذیرفتن زندگی سنگی و سرد را ندارد و از آن به شکوه مشغول می‌شود. شاعر وقتی در تضاد با محیط پیرامون قرار می‌گیرد و توسط دنیای مدرن درک نمی‌شود، اشعاری می‌سراید که سرشار از گله و اندوه عمیق قلبی اوست (رک. باباصفری و طالب‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۳).

یکی از شاعران مشهور معاصر در عرصه‌ی شعر غنایی سیمین بهبهانی است که به بانوی غزل شناخته می‌شود. او با داشتن دیدگاهی بسیار قوی نسبت به مسائل روز و جامعه و هوشیاری بسیار نسبت به اطراف خود اشعاری سروده است که بازتاب و آینه‌ی تمام‌نمای عصر اوست (رک. مظفری‌ساوجی، ۱۳۹۳: ۴۲).

در اشعار سیمین بهبهانی زندگی امروز با تمام سختی‌هایش جریان دارد. در شعر او پدیده‌های زندگی با لحنی گزنده و سخت وارد می‌شوند و مغالزه و معاشقه‌های شاعران گذشته در اشعارش دیده نمی‌شود. عناصر شعری وی عناصری امروزی و بسیار ساده هستند و غزلش با نوآوری و سنت‌گریزی توانسته زندگی امروز انسان را در خود جای دهد (رک. حسن‌لی، ۱۴۰۱: ۴۳۳).

اهمیت شکواییه‌های سیمین بهبهانی از زوایای متفاوتی قابل بررسی است؛ نخست اینکه او زنی اصلاح‌طلب است که با اعتراض و شکایت از اوضاع خود و جامعه توانسته نقش مهمی در ادب غنایی از خود برجای بگذارد و دوّم اینکه اهمیت انسان و زندگی اجتماعی جزء جدایی‌ناپذیر اشعار اوست که می‌تواند دیدگاه عمیقی نسبت به نابسامانی‌ها و پلشتی‌ها را به مخاطب ارائه دهد.

باوجود بررسی اشعار سیمین در آثارش با تأکید بر ابعاد شکوایی، بررسی انواع شکواییه در دفاتر شعر «چلچراغ» و «یک دریچه آزادی» ضرورت این پژوهش است. تاکنون پژوهش مستقلی مبنی بر بررسی زوایای شکوه در این دو مجموعه‌ی شعر موجود نیست؛ به همین سبب این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که برجسته‌ترین شکواییه‌های مطرح‌شده در دفاتر شعر «چلچراغ» و «یک دریچه آزادی» سیمین بهبهانی چیست؟

۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی در باب شکواییه در شعر فارسی و همچنین گونه‌های شعر فارسی معاصر و موضوعات آن نوشته و تألیف شده است. اگرچه این کتاب‌ها و مقاله‌ها با موضوع پژوهش ما متفاوت است؛ اما مطالب آن‌ها راهگشای نویسندگان برای درک مفهوم شکواییه و بررسی آن در شعر نو فارسی شده است:

کتاب حبسیه در شعر فارسی به کوشش ولی‌الله ظفری (۱۳۸۸) که به حبسیه‌ها از منظر شکایات شاعرانه پرداخته و می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در درک شکوه‌های اجتماعی و سیاسی داشته باشد.

کتاب چشم‌انداز شعر معاصر تألیف مهدی زرقانی (۱۳۹۱)، به بررسی جریان‌های فکری شاعران عصر جدید پرداخته و تفاوت آن را با شاعران نسل قبل از مشروطه مقایسه کرده است. این کتاب به مضامین شخصی و خودساخته‌ی شاعران معاصر اشاره و سیمین بهبهانی را به‌عنوان شاعری رمانتیک و جامعه‌گرا معرفی می‌کند.

از جمله مقاله‌های مهمی چون بررسی «انواع شکوایه‌ها در اشعار نیما یوشیج» نوشته‌ی حیاتی و ایزدیار (۱۳۹۹). معاصر بودن نیما یوشیج و سیمین بهبهانی و همچنین تأثیر نیما بر شاعران پس از خود قابل بررسی و تأمل است. با مطالعه‌ی شکوایه‌های نیما دغدغه‌های انسان عصر جدید می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد و در شاعران هم‌عصر او واکاوی شود. کاووس حسن‌لی (۱۴۰۱)، در کتاب گونه‌های نوآوری شعر معاصر به سیر شعر فارسی تحت تأثیر نیما و تغییرات بنیادی شعر با توجه به موضوعات جامعه‌ی امروزی پرداخته و همچنین آثار سیمین بهبهانی را با تأثیر از نیما و دغدغه‌های جامعه‌ی شاعر بررسی کرده است. مؤلف سیر تکاملی شعر او را با توجه به رشد فکری و اجتماعی شاعر توضیح می‌دهد. این کتاب منبع بسیار خوبی برای شناخت دیدگاه شاعر در نوشتن دفاتر شعری اوست.

مقاله‌ی «بررسی شکوایه‌ها در مجموعه شعر «خطی ز سرعت و آتش» از منظر رمانتیسم». طیبی و دیگران (۱۴۰۲) که به بررسی شکوه‌ها از منظر رمانتیسم اجتماعی پرداخته است و دیدگاه جدیدی از شعر سیمین و شکوه‌های اجتماعی آن به خواننده می‌دهد.

در تمامی موارد بالا شناخت شکوایه‌ها و بررسی و تحلیل انواع آن، راه را برای تحلیل شکوه در دفاتر سیمین بهبهانی هموار کرده؛ اما هیچ‌یک، شکوه‌ها را زاویه‌ی انتقاد زنانه به‌صورت احساسی و عاطفی تحلیل و بررسی نکرده‌اند.

در این پژوهش نویسندگان تلاش کرده‌اند با مراجعه به منابع طراز اول و علمی به کار جدیدی بپردازند و دو مجموعه از اشعار سیمین بهبهانی را که در دوران جوانی و میان‌سالی سروده، از نظر شکوایی بررسی کنند و با استناد به مقاله‌ها و کتاب‌های

معرفی شده، پژوهشی تازه بر مبنای شکواییه انجام دهند و سیمین بهبهانی را به عنوان شاعر اشعار غنایی شکوایی معرفی کنند.

۱.۲. روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی است که با بررسی مجموعه شعر «چلچراغ» و «یک دریچه آزادی» ابیات مرتبط با انواع شکواییه‌ها استخراج و پس از دسته‌بندی موضوعی، تمامی ابیات با مراجعه به منابع موجود تحلیل می‌شود.

۲. چارچوب نظری

عاطفه عنصر اصلی شعر غنایی و جزء جدانشدنی زندگی شاعر است. شعر غنایی، شعر شادی و سرور، شعر غم و اندوه و شعری کاملاً حقیقی است؛ زیرا احساس در آن صریح و بی‌پرده بیان می‌شود و صداقت و جسارت در این اشعار مشهود است.

«شعر غنایی که شکواییه یکی از گونه‌های آن است، در واقع بیان هنری عواطف و احساسات شاعر است. به بیانی دیگر، شاعر خویشتن خویش را در آن مجسم می‌کند و ضمن آن به بیان عواطف و احساسات شخصی و تأثرات خود از زندگی می‌پردازد. هم چنان که شادی‌ها و لذت‌های زندگی و کامیابی‌ها، احساسات و عواطف شاعر را به هیجان می‌آورند، ناکامی‌ها و رنج‌ها نیز عواطف درونی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به شکوه و شکایت وامی‌دارد. شکواییه در واقع نوعی پرده‌برداری از رنج‌ها و آلام درونی است که شاعر را می‌آزارد» (باباصفری، ۱۳۸۹: ۱۸).

محیط ادبی محیطی است که از مسائل اجتماعی و سیاسی جدا نیست. محیط ادبی در شعر انعکاس جامعه‌ای است که شاعر در آن بالیده و به مصایب آن آگاه است (رک. صفا، ۱۳۸۱: ۹۷).

انسان از زمانی که متولد می‌شود، به شناخت محیط و اطراف خود می‌پردازد و برای آسایش خویش و اجتماع تلاش می‌کند. او به قوانین وضع شده در جامعه و محیط پیرامون خود احترام می‌گذارد و خود را لایق اجرای حقوقی می‌داند که برایش تعیین شده است. از جمله حقوق وی می‌توان به آزادی قلم و عقیده و آزادی انتخاب محیط زندگی و کار

که با عنوان حقوق اجتماعی شناخته می‌شود، اشاره کرد. هر اندازه آگاهی و شناخت او افزون می‌شود، تکالیفش نسبت به جامعه و وظایف جامعه نسبت به او بیشتر می‌شود. اگر این وظایف اجرا نشود، گله و شکایت نیز شکل می‌گیرد و انسان آزادی‌خواه که ذاتاً طالب آزادی است، برای احقاق حق خود اقدام می‌کند. شکل‌گیری گله و شکایت در شاعران نیز در این موارد به چشم می‌خورد (رک. ظفری، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

«گله و شکایت، خود یکی از بن‌مایه‌های اصلی شعر فارسی است. شکایت از روزگار و ابنای آن، شکایت از آفرینش، شکایت از ناسازگاری بخت، شکایت از پیری و ناتوانی، شکایت از حاسدان، شکایت از اوضاع سیاسی، شکایت از زندان و... از اهم اقسام گله و شکایت به شمار می‌روند؛ اما دامنه‌ی نفوذ آن را در موضوعات مستقل دیگری مانند مفاخره، عشق و عرفان و حتی طنز نیز می‌توان مشاهده کرد.» (واحد و نوری باهری، ۱۳۹۱: ۴۹۲).

اهمیت بررسی شکوایه‌ها در درجه‌ی اول، شناختن شاعران آن‌هاست؛ زیرا گلایه‌ها ارتباط مستقیمی با روحیات شاعر خود دارند. همچنین اشعار شکوایی بیانگر جامعه‌ی آرمانی شاعر، اندیشه‌های فلسفی و زندگی نامطلوب او نیز هستند (رک. حیاتی و ایزدیار، ۱۴۰۰: ۲۰۲).

در دنیای امروز، گلایه با عنوان مضمون شعری و نوع ادبی مورد توجه قرار گرفته و شاعر برحسب ذوق و قریحه‌ی خویش به بیان گلایه‌های خود می‌پردازد.

با توجه به مطالب بالا و نظر به تنوع موضوعی شکوایه‌ها، طبقه‌بندی آن‌ها دشوار است؛ اما «با وجود این می‌توان شکوایه‌ها را به پنج دسته اصلی تقسیم نمود:

۱. شخصی؛ ۲. اجتماعی؛ ۳. فلسفی؛ ۴. عرفانی؛ ۵. سیاسی.

انواع شکوایه‌ها:

۱. شکوه‌های شخصی: نظیر شکوه از ضعف جسمانی، پیری و فقر، پریشان‌حالی یا بیماری، خواری و بی‌کسی، تنهایی، بی‌وفایی و آزار معشوق و موضوعاتی از این قبیل.
۲. شکوه‌های اجتماعی: نظیر شکایت از نابرابری‌های اجتماعی، نادانی و فساد اخلاق عوام و فقر اجتماعی و فرهنگ ضعیف جامعه و ...

۳. شکوه‌های فلسفی: نظیر شکایت از خلقت و آفرینش، گردش آسمان و فلک، بخت بد، نابرابری‌های مقدر و بدبختی‌های ناشی از روزگار کج‌مدار و فلک سفله‌پرور و... .
۴. شکوه‌های عرفانی: در بیان بی‌قراری و اشتیاق در دوری از ذات حق و شکایت از دشواری‌ها و مسیر صعب‌العبوری که بر سر راه سالک و رسیدن به خدا، وجود دارد.
۵. شکوه‌های سیاسی: نظیر شکوه از حاکمان و وزیران سیاسی، قضات و حاکمان شرع و دستگاه عدلیه» (حسین‌پور، ۱۳۹۷: ۱۲).

۳. معرفی سیمین بهبهانی

سیمین بهبهانی شاعری است که از سنت به مدرنیته حرکت کرده و غزل را به خدمت معانی تازه و جدید عصر خود گرفته است. او معروف به نیمای غزل است و اوزان سنتی غزل فارسی را برای به‌کارگیری سخن امروز تغییر داده است (رک. حسین‌پورچافی، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

«سیمین بهبهانی از جمله شاعرانی است که بیست‌و‌اندی سال پس از انقلاب مشروطه (۱۳۰۶) به دنیا می‌آید. او در نوجوانی، زمانی که غزل در سایه‌ی مشروطیت پذیرای محتوای سیاسی-اجتماعی شده، به‌دنبال غزل می‌رود و به بانوی غزل معروف و شناخته می‌شود» (جعفری و نصرتی، ۱۳۹۴: ۷۰).

وقتی سیمین کودک بود، پدر و مادرش از یکدیگر متارکه کردند و او دوران کودکی و نوجوانی را همراه با مادر و ناپدری‌اش، عادل خلعتبری که او هم روزنامه‌نگار بود، سپری کرد. سیمین برای تحصیلات عالی به مدرسه‌ی مامایی رفت و اندکی پس از تحصیل، به‌دلیل مشاجره با رئیس آن مدرسه اخراج شد و بعد از آن با حسن بهبهانی که نام هنری‌اش را از او گرفته است، ازدواج کرد. زندگی اوّل سیمین دوام چندانی نداشت. او در سال ۱۳۴۰ با منوچهر کوشیار که شغل قضایی داشت، آشنا شد و این آشنایی سرانجام به ازدواج ختم شد؛ اما نام بهبهانی را همچنان برای خود حفظ کرد (رک. عابدی، ۱۳۹۶: ۳۷۶).

از نظر سیمین بهبهانی هنرمند می‌تواند تمام آلام و اندوه خود و ناکامی‌های اجتماعی را در شعر انعکاس دهد و تنها سراینده‌ی عاشقانه‌های شخصی نباشد. تعهد او به جامعه‌ای

که در آن زیسته، در روشنی افکارش به مسائل اجتماعی کاملاً مشهود است. او زنی است که خود را شناخته و از ظلمی که به وی روا شده، مطلع است. سیمین در سرودن شعر سرشار از اشتیاق و حوصله است و هر شعر او آگاهانه به زوایای زندگی شخصی و اجتماعی‌اش می‌پردازد (رک. همان، عابدی، ۱۳۹۷: ۹۷).

۳. ۱. مجموعه‌ی شعر «چلچراغ»

سیمین در این مجموعه که در بازه‌ی زمانی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۶ سروده شده است، با نگاه حسرت‌بار و اندوهی فراوان به بیان مصایب و مشکلات خود و اجتماع می‌پردازد. قدرت استدلال و تحلیل زن از مصایب زندگی عاطفی و شخصی در این مجموعه قابل ستایش و بیانگر آگاهی و هوشیاری شاعر است. او به همان اندازه که همسر دوم خود را دوست داشت، هرگز از ازدواج اول خود راضی نبود. این فقدان عاطفه که مدت‌زمان زیادی از عمر وی را دربرگرفت، در اشعار شکوایی او نقش مهمی را ایفا می‌کند. سیمین پس از اخراج از مدرسه به ازدواجی تن می‌دهد که خواست پدر بوده است. او در آن زمان هفده سال بیش نداشت. فاصله‌ی سنی زیادش با همسرش، حسن بهبهانی، اختلاف میان این دو زوج را دامن زد و هیچ رضایتی از این زندگی برای سیمین حاصل نشد. او گفته است: قلبش هرگز با این مرد همراه نشد تا اینکه پس از بیست سال زندگی، از حسن بهبهانی جدا شد و پس از مدتی با منوچهر کوشیار پیمان زناشویی بست که عشق در زندگی او، برای نخستین‌بار جریان پیدا کرد (رک. ابومحبوب، ۱۳۹۸: ۶۵).

سیمین در این دفتر نشان می‌دهد که می‌تواند از سنت گذر و از شعر نیمه‌سنتی با زمینه‌ی اجتماعی به‌جانب غزل‌های عاشقانه حرکت کند (رک. زرقانی، ۱۳۹۱: ۲۵۱).

همچنان که از تاریخ سرودن اشعار این مجموعه پیداست، این اشعار در بجهوحه‌ی نارضایتی از زندگی اول او سروده شده است. شایان ذکر است که جدایی پدر و مادر در دوران کودکی سیمین، دوری از پدر و حضور ناپدری، اثرات قابل‌توجهی بر زندگی او گذاشت و این دو شکست عاطفی توانست تا پایان زندگی بر اشعارش تأثیر نامطلوبی بگذارد. سیمین در شعر «چلچراغ» از همین مجموعه به رنج بی‌پایان خود اشاره می‌کند که

می‌تواند گواه زندگی شخصی و عاطفی وی باشد:

از بس به رنج این دل رنجور خو گرفت موی سیاه مخملی من سفید شد
با درد انتظار چه شب‌ها به من گذشت تا چلچراغ شعر ظریفم پدید شد
(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۱۷۱)

سیمین در این مجموعه از صبر و شکیب نافرجام، رسوایی، سرگردانی و سرکشی خود غزل می‌سراید و بی‌پرده‌گله و شکایت فردی و اجتماعی خود را بیان می‌کند.

۲.۳. مجموعه‌ی شعر «یک دریچه آزادی»

تلنگر انقلاب ایران و تحولات جامعه، روح سیمین را بیدار کرد و در او اثری برجای گذاشت که توانست به یکی از چهره‌های مشهور ادب فارسی تبدیلش کند. او در این برهه، اشعاری پرشهامت می‌سراید و شعرش در اکنون و در تاریخ سیر می‌کند؛ یعنی از زمانه می‌گوید؛ اما در آن اسیر نمی‌شود؛ اما در مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» که در بین سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۴ سروده شده است، شکوه‌ها اندک و بیشتر عاشقانه و عشق‌گريزانه است که می‌تواند بازتاب اولین ازدواج او باشد که به ناکامی انجامید. در این اشعار غم و شادی و عواطف فردی کامل مشهود و گاه اجتماعی است.

در این مجموعه نگاه شاعر به مسائل عشقی، حیثیتی و مهرورزانه است. نگاهی که با عشق سلطه‌جویانه و جنس‌گرا کامل در تضاد است. او در این مجموعه جستجوگر و دور از نظام سنتی و تکراری شعر است (رک. زرقانی، ۱۳۹۱: ۲۵۵).

بررسی دو مجموعه در بررسی زندگی و زمانه‌ی شاعر، در بحران‌های روحی و روانی او اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا منجر به سرودن اشعار شکوایی و بی‌پرده شده است که مستقیم بر ذهن خواننده اثر می‌گذارد و افکار او را به سمت‌وسوی شناخت زندگی و عصر شاعر معطوف می‌کند.

۴. بحث و بررسی

در شعر غنایی شاعر برای اثرگذاری بر مخاطب از تمام خلوص احساس خود استفاده می‌کند و بی‌اغراق از عواطف خویش سخن می‌گوید. هرچه شاعر صریح‌تر سخن بگوید، القای مطالب به خواننده‌ی شعر او بیشتر می‌شود. در شکوه‌ها، شاعر از عمق جان ناله

می‌کند و بی‌آنکه بخواهد مخاطب خود را فریب دهد، از افکار و احساس خویش پرده برمی‌دارد و به همین دلیل مخاطب را با خود همراه می‌کند.

۴. ۱. انواع شکوایه در شعر سیمین بهبهانی

۴. ۱. ۱. شکوایه‌های شخصی

در شکوایه‌های شخصی شاعر به زندگی فردی و گاه خانوادگی خود اشاره می‌کند؛ زیرا اندوه و گرفتاری فرد با اثری که بر زندگی شاعر می‌گذارد، می‌تواند در روند زندگی او اختلال ایجاد کند. در واقع شکوایه‌های شخصی بیانگر درگیری ذهنی و روانی شاعر است. در بیان شکوه‌های شخصی، شاعر خوش‌بین نیست و با نگاهی تیره‌وتار به ابعاد زندگی خود و دیگران می‌پردازد. رویارویی با حقایق تلخ زندگی، شاعر را از زندگی رؤیایگونه بیرون می‌کشد و با مسائلی روبه‌رو می‌کند که خوشایند او نیست. در واقع شعر شکوایی سرپناه روح حساس شاعر است. اشعار سیمین خالی از شکوه‌های شخصی نیست؛ زیرا سیمین شاعری است که اندوه زنانه را در سالیانتمادی بر دوش کشیده و عواقب آن را تحمل کرده است. او گاهی سادگی خود را تحقیر می‌کند و به شکایت از آن می‌پردازد و گاه از سرنوشتی که زندگی فردی و خانوادگی او را دستخوش اندوه و هجران کرده است، گله می‌کند.

۴. ۱. ۲. شکوه از مصایب عشق

شکوه از عشق فراگیرترین نوع شکوه‌های شخصی است؛ زیرا احساس بشر جزء جدانشدنی زندگی اوست. در این نوع شکوه می‌توان انگیزه‌های فردی و شخصی شاعر را بررسی کرد. در شکوه‌های شخصی احساسات شاعران بسیار نزدیک به یکدیگر است؛ زیرا زمانی که شکست از عشق حاصل می‌شود، گلایه‌های شاعر نیز شکل می‌گیرد. همچنین مصایب عشق از زمانی آغاز می‌شود که معشوق قادر به برآوردن انتظار عاشق نیست. گاهی این معشوق، سرسخت و نفوذناپذیر و گاه بی‌رحم و سنگدل است. عشق که مقدم بر هرگونه احساسی است، می‌تواند به تاروپود عاشق نفوذ کند و از او فردی زودرنج و گاه متوقع بسازد. اگر شاعر با طبع لطیف در عشق به بن‌بست یا شکست برسد، محتوای اشعار عاشقانه با ناامیدی می‌آمیزد و با حسرت همراه می‌شود. مصایب عاشقانه

در اشعار سیمین از نوع نرسیدن‌ها، ازدست‌دادن‌ها و سوختن‌هاست. در شعر «هو» از مجموعه‌ی چلچراغ با زنی آسیب‌دیده روبه‌رو هستیم که شاهد به بن‌بست رسیدن آرزوهای خود با حضور رقیب است. او همچنان شکایتی آمیخته به خشم و اندوه از پایان عشق خود را بیان می‌کند:

همسر من همدم این زن نبود	زیرلب با خویش گفت آن روزها
این‌چنین در دست اهریمن نبود	این سلیمانی نگیں تابناک
در کنار این زن آشوبگر	آه این مردی که اینسان خفته گرم
روزگاری گرم‌تر پرشورتر	جای می‌داد اندر آغوشش مرا

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۲۵۶)

عنصر عشق که از عاطفه‌ی بشر سرچشمه می‌گیرد، تمام عناصر شعر را به خدمت خود گرفته، حیات و زندگی بشر را ترسیم می‌کند. پویایی و اثرگذاری شعر غنایی وابسته به همین عنصر است. سرسپردن در راه عشق و به‌جان‌خریدن تمامی رنج‌های آن یکی دیگر از مصایب عشق در اشعار سیمین بهبهانی است. در این ابیات شاعر شکایت از حضورنداشتن دائمی یار را بازگو می‌کند؛ اما باز هم به آن حضور کمرنگ دلخوش است و همان اندک را غنیمت می‌شمرد. او در شعر «نگاه بی‌گناه» از همین مجموعه به این مطلب اشاره می‌کند:

دردا که عاقبت ننشستم به دامن	با آنکه چون غبار نشستم به راه تو
چون مادر از نوازش و مهرم چه‌چاره هست	با کودک نگاه چنین بی‌گناه تو؟
خورشید بهمنی و تو لطف مدام نیست	اما خوشم به مرحمت گاه گاه تو

(همان: ۲۰۷)

در اشعار شکوایی عاشقانه می‌توان به علت سرودن آن نیز توجه کرد. رنج و آزاری که به شاعر وارد شده و توانسته تحوکی دردناک در او ایجاد کند، باعث سرودن شعر شکوایی می‌شود. حسرت نگفته‌ها و بردل‌مانده‌ها که از شرم عشق هرگز بازگو نشده، یکی دیگر از گله‌های عاشقانه‌ی شاعر است که قابل بررسی است. آن زمان که عشق را یارای بالیدن بوده و هیچگاه حرفی از آن به میان نیامده، دلیلی برای سرودن شعر شکوایی

عاشقانه شده است. شعر «تکاپو» شعر حسرت زمان ازدست‌رفته برای ابراز عشق در مجموعه‌ی «چلچراغ» است:

آه از آن گفته‌های عشق آمیز	که به دل بود و در نهمان ما را
لیک جز درس و جز کتاب، سخن	خود نمی‌رفت بر زبان ما را
ما که بودیم؟ شمع پرنوری	شعله افکن به جان خاموشی
شب به پایان نرفته، سوخته پاک	خفته در ظلمت فراموشی

(همان: ۲۲۸)

از کف دادن صبر و طاقت در مسیر عشق از دیگر مسائلی است که شاعر با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. اشعار شکوایی با بیان احساسات شاعر می‌تواند تسلی حال او نیز باشد؛ زیرا دردی که به گوش مخاطب رسانده شود، می‌تواند بار روانی شاعر را تخفیف دهد. در شعر زیر دیوانگی و بی‌قراری برای ملاقات معشوق و همچنین ازدست‌رفتن خویشتن خویش از جمله شکایاتی است که شاعر در شعر «ای همچو تندیس رومی» از مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» به آن توجه داشته است:

لبریز شد صبرم ای عشق	دیوانه شد عقم ای عشق
ای طرفه دزد از چه دستی؟	ما را ز ما می‌ربایی
در کنج محراب تقوا	چون بوریا پاک بودم
آتش زدی در وجودم	کردی چو دودم هوایی

(همان: ۷۲)

دردها، رنج‌ها و مصایب زندگی به شاعر زمینه‌ی سرودن شعر شکوایی را می‌دهند. شکوه از عشق در این میان، شکواییه‌ی شخصی در «مجموعه‌ی یک دریچه آزادی» محسوب می‌شود:

من آن سیاره‌ی صد سال نوری دور از دستم	به بال مرغکان سویم چرا میل سفر کردی
مرا آغوش سنگی با تو چندان بی تفاوت شد	که هیجت در نمی‌یابد اگر گرمی اگر سردی

(همان: ۸۱۱)

در اشعار شکوایی سیمین که در وصف هجران و قساوت یار سروده شده است، ذهن مخاطب به علت درد و الم او معطوف می‌شود و خواننده‌ی شعر می‌تواند این اشعار را به

زندگی شخصی شاعر ربط دهد. یکی دیگر از عوامل رنجیدگی و آزرده‌گی خاطر در اشعار سیمین، بی‌وفایی و قساوت قلب یار است. ناله‌ی شاعر در این اشعار بیانگر درد مهجوری است که در روح و روان او رخنه کرده و هیچ راهی به‌سوی وصال ندارد. تبعاتی که این فشار روانی بر روح و جسم شاعر داشته توانسته باعنوان گلایه از عملکرد یار در اشعار او انعکاس یابد.

در شعر زیر از مجموعه‌ی «چلچراغ» شاهد گلایه‌ی سیمین از بی‌مهری و بی‌رحمی مردی هستیم که آرزوهای او را ویران کرده و بدون توجه به مهر او، دل در کف زن دیگری نهاده است:

با او در آرزوی آشنا وفا شدم اما وفا نکرد و دل از من پرید و رفت
آن آفتاب عشق که یادش بخیر باد یک شامگه ز گوشه‌ی بامم پرید و رفت
او رفت و دل به دلبران دگر سپرد تنها منم که دل به دگر کس نبسته‌ام
گشت زمان از آن همه بی‌تابی‌ام نکاست گویی هنوز بر سر آتش نشسته‌ام
(همان: ۲۱۵)

در ابیات زیر از همین مجموعه شاهد نالیدن شاعر از جور معشوق هستیم. به دست و پا افتادن و حقارت در برابر معشوق از عواقب قساوت قلب و بی‌مهری یار است که عاشق خود را نادیده گرفته و او را به اندکی محبت خویش محتاج می‌کند:

شنیدی از همه یاران که سخت بیمارم نیامدی ز پی پرسشی به دیدارم
هنوز امید تو دارم که می‌کشم نفسی بیا که نیمه‌ی جانی که مانده بسپارم
(همان: ۱۹۴)

۴.۱.۳. شکوه از تنهایی و بی‌کسی

انسان موجودی اجتماعی است. او به‌واسطه‌ی داشتن روابط با هم‌نوعان از رنج خود می‌کاهد. گاه مسائلی چون آزار اطرافیان، قضاوت‌های نابجا، نداشتن تفاهم فکری و ناسازگاری با شرایط دوستان و خانواده در زندگی شاعر اتفاق می‌افتد که او ناگزیر می‌شود تنهایی را انتخاب کند و از دیگران دوری گزیند. تنهایی منشأ احساسات منفی، خودکم‌بینی، درگیری ذهن و همچنین عزلت و گوشه‌نشینی شاعر است؛ زیرا او به‌واسطه‌ی داشتن احساساتی لطیف و رقیق نمی‌تواند همدم موجودات معمولی و سطحی باشد.

از این جهت تنها ماندن این افراد بی سبب نیست. در شعر «یار نداری» از مجموعه‌ی «چلچراغ» شاعر با گله از تنهایی در این شعر به سرزنش قلب خود مشغول می‌شود و با حسی شاعرانه آن را بیان می‌کند:

چه دلی؟ ای دل آشفته که دلدار نداری گر تو بیمار غمی از چه پرستار نداری؟
شب مهتاب همان به که از این درد بمیری تو که با ماهرخی وعده‌ی دیدار نداری
گرچه سیمین به غزل‌ها سخن از یار سرودی به خدا یار نداری! به خدا یار نداری!
(همان: ۱۷۸)

در شعر دیگری از همین مجموعه با نام «مهتاب خزان» تنهایی بازتابی شاعرانه یافته است و شاعر با به‌کاربردن اصطلاح «سر بی سرور» رنج تنهایی خود را عیان می‌کند:

سر بی سرور ما را ز چه سامانی نیست شب بی اختر ما را ز چه پایانی نیست
ترسم آن روز به بالین من آرند طیب که من و درد مرا فرصت درمانی نیست
(همان: ۱۷۹)

در اشعار متعددی می‌بینیم که سیمین تنهایی را دوست ندارد و آن را انتخاب نکرده است. او در عین شکوه از تنهایی همچنان منتظر کسی است که به این تنهایی تلخ پایان دهد. شعر زیر از مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» گواه همین مطلب است:

صدای پای که می‌آید؟ به کوچه‌ام که گذر دارد
بگو که پنجره بگشایم اگر از عشق خبر دارد
دل گرفته ز تنهایی بود که پنجره بگشایم
اگر گذرگه خاموشم هنوز راه‌گذر دارد

(همان: ۸۰۸)

۴.۱.۴. شکوه از گذر عمر و پیری

از دست دادن توان جوانی و نشاط یکی دیگر از مسائلی است که سیمین به آن توجه نشان داده است. رنج پیری دلخواه شاعر نیست و گلابه‌های شخصی او حاکی از رنج این گذار است. در شعر «چهره سپردم به تیغ» از مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» شاعر به دنبال راهی است که بتواند نشاط و طراوت جوانی را باز یابد؛ اما می‌داند که هرگز نمی‌تواند آن را در دل خود جایگزین کند:

چهره سپردم به تیغ	بلکه جوانش کنم
منظر چشمان خلق	آینه سانش کنم
دل که به سی سال پیش	صاحب گلچهره داشت
خواست که پیرانه سر	باز چنانش کنم
چهره جوان شد به تیغ	دل شد اما دریغ
گر به سنان می شود	وقف سانش کنم

(همان: ۸۴۵)

در ابیات زیر از مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» شاعر به پایان عمر خود واقف است و سعی دارد که همین چند صباح باقی مانده را به نیکی بگذراند. اگرچه این آگاهی عمیق خوشایند نیست؛ اما هنوز اندک امیدی در آن باقی است:

تا مرگ راهی نمانده است	در این خیالم که دست را
فردا چو از گل نمی توان	امروز از دل برآورم
نیلوفر چند ساعت	ای دوست دریاب فرصتم
فردای پژمردنم چه سود	امروز اگر نیستی در برم

(همان: ۹۲۱)

۴. ۱. ۵. شکواییه‌های اجتماعی

شاعر درد اجتماع را درد خود می داند. باور دارد اگر فردی از اجتماع اندوه و رنجی را متحمل شود که جامعه آن را تحمیل نموده است شاعر باید بیانگر رنج و اندوه او باشد (رک. مظفری ساوجی، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

در شکواییه‌های اجتماعی شاعران اخیر، اشعار اغلب بیانگر نگرانی شاعر از وضع مالی، فرهنگی و رفتارهای نابهنجار افراد آن جامعه است. شاعر خود را بخشی از اجتماع می داند و به عنوان شخصی حساس که تحت تأثیر شرایط موجود در جامعه، وضع و حال مردم را درک می کند، به نقد، اعتراض و پیشنهاد راهکاری برای بهبود اوضاع می پردازد.

۴. ۱. ۶. شکوه از فقر و مسکنت

اشعار شکوایی اجتماعی انعکاس جامعه‌ای است که شاعر در آن پرورش یافته است. بدیهی است که آنچه بیشتر از همه در جامعه به چشم می خورد، موضوع سرودن و گاه

انتقاد و گله از شرایط موجود می‌شود. فقر یکی از مسائل مهمی است که جامعه‌ی زمان سیمین با آن دست‌وپنجه نرم کرده و از چشم شاعر دور نمانده و در شعر او نیز مطرح شده است.

از آنجایی که سیمین زنی اجتماعی و شاغل بوده و مصایب دستمزد اندک و ناتوانی اکثریت جامعه در تهیه‌ی مایحتاج خویش را درک می‌کند، توانسته این موضوع را در شعر خویش منعکس کند. او در شعر «شب و نان» از مجموعه‌ی «چلچراغ» به موضوع فقر اشاره می‌کند و توجه مخاطب را به سمت وسوی این گرفتاری معطوف می‌کند:

خسته و اندوهگین و ناامید	بر زمین بنهاده دست‌افزار خویش
در پناه نیمه دیواری خزید	شسته دست از کار محنت بارخویش
باز، انگشتان خشکی شامگاه	شرمگین آهسته می‌کوبد به در
باز چشم پر امید کودکان	باز، دست خالی از نان پدر

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۲۶۰)

در شعر «درد نیاز» از همین مجموعه‌ی فقر، منظری کریه دارد. او در بیان این مطلب در اشعارش به روی گرداندن مردم از فقرا، کودکی مصیبت‌بار این قشر و ادامه‌ی این فقر در نسل‌های آینده اشاره می‌کند. او در این ابیات به بغض فروخورده‌ی افراد فقیر در جامعه اشاره دارد که هیچ‌کس گره‌گشای آن نیست:

از صبح تا به شام به هر سوی می‌دود	از بهر نان دو چشم سیاه درشت تو
بر کفش کودک من بوسه می‌زنی	شاید که سکه‌ای بگذارم به مشّت تو
زن‌ها به نفرت از تو نهان می‌کنند روی	کاینجا نمی‌کند اثری آه سرد تو
وان سکه‌ای که بگاه ه مشّت تو می‌نهند	پاداش حسن توست نه درمان درد تو

(همان: ۲۶۵)

۴. ۱. ۷. شکوه از تورّم و گرانی

تورّم و گرانی که زمینه‌ساز فقر در جامعه نیز است، یکی دیگر از مسایلی که شاعر به آن توجه داشته است. وضعیت گرانی و دسترسی نداشتن به خواسته‌های فردی، به‌ویژه خواسته‌های کودکان علت انتقاد و گله‌ی شاعر است. سیمین در شعر «کودک روانه بود از پی» حس‌وحال مادری را که نمی‌تواند برای کودکش پسته بخرد، به نمایش گذاشته

است و همچنین در پایان دزدی کودک را به دلیل فقر و گرانی در مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» به تصویر می‌کشد:

نق نق کنان که من پسته	کودک روانه از پی بود
زن ناله کرد آهسته	پول از کجا بیارم من؟
نوشابه، بستنی سرسام	یک سیر پسته صد تومان
از رنج زندگی خسته	اندیشه کرد زن با خود
دیده‌ست و چشم پوشیده‌ست	«دیروز گردوی تازه
با روز پیش پیوسته	هرروز چشم پوشی‌هایش
پر دید وای دزدیدی؟	ناگاه جیب کودک را
با یک دهان پر از پسته	کودک چو پسته می‌خندید

(همان: ۸۸۹)

۴. ۱. ۸. شکوه از ترک وطن و غربت

ترک وطن و مهاجرت یکی از شکوه‌های سیاسی و اجتماعی سیمین در مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» است. عشق به میهن و ریشه‌هایی که در آن باقی می‌ماند، همیشه مورد بحث شاعران است؛ زیرا وطن پرستی یکی از ویژگی‌های شاعرانی است که قلبشان برای وطن می‌تپد و هرآنچه که باعث دوری ایشان و عزیزان و دوستانشان از وطن می‌شود، باعث گلایه و انتقاد ایشان است. بحران ترک وطن و ازدست دادن یاران مستعد و آگاه رنجی بر جان شاعر است. در این ابیات نوعی گله از زندگی در وطن نیز به چشم می‌خورد. سیمین در این شعر خطاب به عزیزی که از وطن دور است می‌نویسد و شرایط موجود در وطن را با درد برای او بازگو می‌کند:

عزیز دور من از ایران	نوشتنم به تو می‌باید
که با منت به دو لب حرفی	اگر گذشت ز ایران بود
ز حجله‌های جوانمرگان	اگرچه داغی به دل داری
حریق و جنگ و جنون باری	گذشت و رفت و نه آسان بود
تو کی جدا ز وطن بودی؟	دلت به یاد وطن می‌زد
گرفتم این که جدایی‌ها	دو سوی عالم امکان بود

(همان: ۹۰۸)

و در جای دیگری در این مجموعه باز خطاب به عزیز دور از وطنش می‌نویسد و از دوری او گلایه می‌کند:

عزیز دور غمگین	بمان که شب سرآید
شکوفه‌های سیمین	ز تیرگی برآید
چه سود خواندنت را	که آنسوی جهانی
شب تو چون سرآید	شب من از در آید

(همان: ۹۰۹)

۴. ۱. ۹. شکوه‌های فلسفی

شکوه‌های فلسفی به دنبال سرزنش عواملی غیر از انسان، در بیان خود می‌گردد. شاعر گاه با بلایایی مواجه می‌شود که نه خود را مستحق آن می‌داند و نه می‌تواند از آن فرار کند. او با هدف قراردادن عناصر طبیعت، کائنات و پدیده‌های ماورایی و... به دنبال اثبات دلایلی برای اتفاقات ناگوار زندگی خود می‌گردد.

«آنچه عواطف و احساسات آدمی را برمی‌انگیزد تنها بیان عشق و سوزوسازهای عاشقانه نیست؛ بلکه رنج‌ها و نامرادی‌های زندگی نیز عواطف انسان را برمی‌انگیزد. واکنش این عواطف به گونه‌ی شکوه و شکایت از گردش روزگار و مشکلات آن، در غزل مطرح می‌گردد» (خان محمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

۴. ۱. ۹. ۱. شکوه از بخت

شاعر در اشعار فلسفی خود به مسائلی می‌پردازد که برای او مجهول و ناشناخته است و علت آن را در دنیای مادی نمی‌یابد. درد فلسفی شاعر در این اشعار حیرت از اتفاقاتی است که بی‌دلیل برای او رخ می‌دهد و هیچ چرایی برای آن نمی‌یابد. شکست‌ها و ناکامی‌هایی که برای زندگی او پیش آمده، دلیل اصلی سرودن اشعار فلسفی در اشعار سیمین است. در شعر زیر از مجموعه‌ی «چلچراغ» او بخت و تقدیر خود را عامل ناکامی دانسته و از آن شکایت می‌کند:

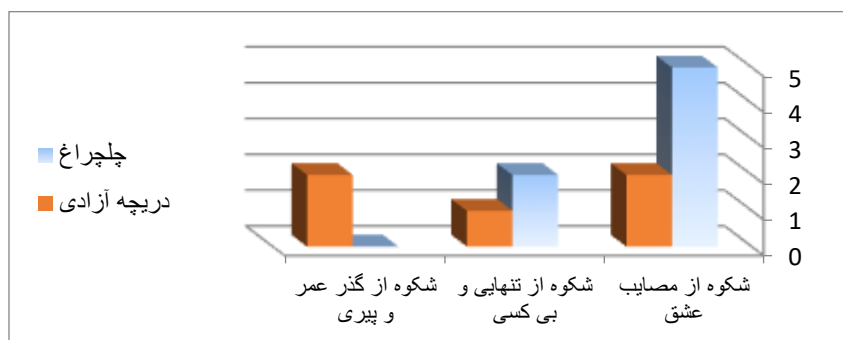
گفتند: شام تیره‌ی محنت سحر شود	خورشید بخت ما ز افق جلوه گر شود
گفتند و گفته‌ها همه رنگ فریب داشت	شاخ فریب و حيله کی بارور شود

ای چشم خونفشان مددی تا ز همتت انشای این چکامه به خون جگر شود
(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۲۷۶)

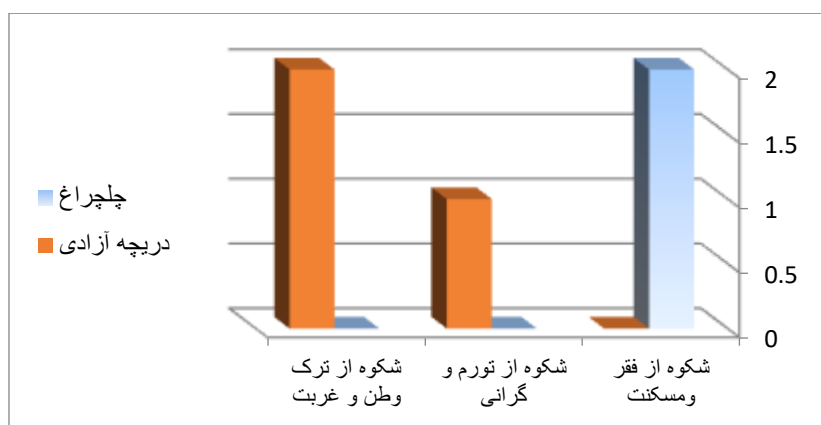
و در شعر دیگری با نام «زنجیر» از همین مجموعه شاعر به بخت ناساز خود اشاره می‌کند و مصیبت‌های زندگی و ناکامی خود را ناشی از تیره بختی می‌داند:

برگ پاییزم ز چشم باغبان افتاده‌ام خوار در جولانگه باد خزان افتاده‌ام
اشک ابرم کاین چنین بر خاک ره غلتیده‌ام واژگون بختم ز چشم آسمان افتاده‌ام
قطره‌ای بر خامه‌ی تقدیر بودم روسیاه بر سپیدی‌های اوراق زمان افتاده‌ام
(همان: ۲۴۳)

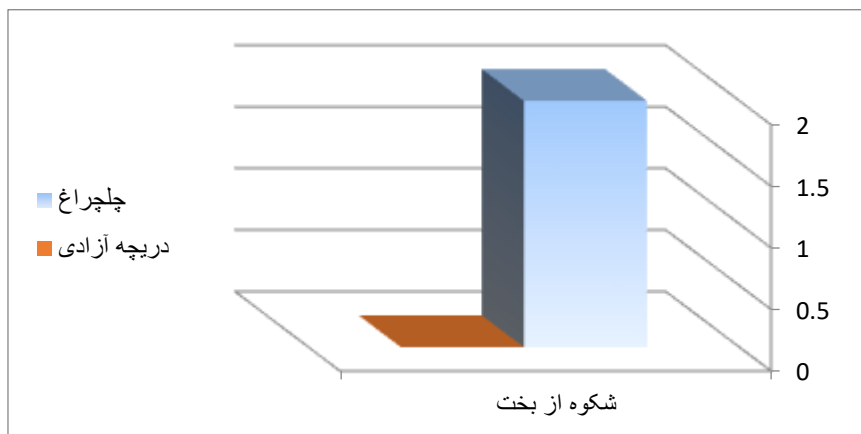
۵. فراوانی و نمودار مقایسه‌ای نمودارها در مجموعه اشعار «چلچراغ» و «یک دریچه آزادی»:



نمودار شماره‌ی ۱: نمودار مقایسه‌ای شکوه‌های شخصی در مجموعه‌های شعر چلچراغ و یک دریچه آزادی



نمودار شماره‌ی ۲: نمودار مقایسه‌ای شکوه‌های اجتماعی در مجموعه‌های شعر چلچراغ و یک دریچه آزادی



نمودار شماره ۳: نمودار مقایسه‌ای شکوهِای فلسفی در مجموعه‌های شعر چلچراغ و یک دریچه آزادی

۶. نتیجه‌گیری

ادبیات غنایی که بیانگر احساسات و عواطف شاعر و نویسنده‌ی آن است، سعی دارد از دریچه‌ی احساس به زوایای متفاوتی از زندگی بشر اشاره کند. شاعر با خالص‌ترین احساسات به بیان عواطف خود می‌پردازد و ناب‌ترین اشعار را می‌سراید. یکی از خالص‌ترین احساسات شاعر در بیان اندوه و غمی است که زندگی او و اطرافش را تحت‌الشعاع خود قرار داده و چاره‌ای جز شکوه و گلایه از آن نیست. شکواییه که یکی از شاخه‌های ادبیات غنایی است، از دل دردمند و روح آزردگی شاعر حکایت دارد که تمام تلاشش بازتاب مشکلات شخصی، اجتماعی، سیاسی و فلسفی از راه گله و ناله است. پس از درک نوع شکوایی در شعر، می‌توان به علت رنج و الم و انگیزه‌ی شاعر از سرودن آن پرداخت و شکواییه‌ها را با توجه به زندگی شاعر تحلیل و بررسی کرد. شعر شکوایی می‌تواند به‌عنوان دریچه‌ای برای شناخت روحیات شاعر آن نیز موردبحث و بررسی قرار گیرد.

در این مقاله، تلاش نویسندگان پیرامون بررسی مستدل انواع شکواییه‌های سیمین بهبهانی در دفتر شعر «چلچراغ» و «یک دریچه آزادی» بوده است.

در هر دو مجموعه شکوهِای شخصی بسامد بالاتری نسبت به سایر شکوهِها مانند شکوهِهای فلسفی و اجتماعی داشته و ابعاد آن موردبررسی و تحلیل قرار گرفته است. در مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» که در دوران میانسالی شاعر سروده شده است، شکوهِهای اجتماعی در کنار شکوهِهای شخصی دیده می‌شود که بیانگر تعالی ذهن شاعر و دقت او

به مسائل جامعه است. شکوه‌های شخصی در این دو مجموعه، برگرفته از انگیزه‌های فردی شاعر است و خواهشی آشکار و نهان، مبتنی بر احساس اوست. در مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» شاعر نگاهی همراه با بدبینی به عشق و احساس دارد؛ اما خود را می‌شناسد و نگاه او به عشق سطحی و کودکانه نیست. در مجموعه‌ی «چلچراغ» نگاه شاعر به عشق نگاهی مبتدی همراه با حسد است و انتظار و آرزو از بن‌مایه‌های شعر اوست. در این دو مجموعه شاعر بیشتر به زندگی عاطفی خود توجه کرده. اگرچه در مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» نگاه عمیقی به مسایل اجتماعی نیز داشته است؛ اما همچنان عاطفه‌ی فردی در اولویت اوست و تأثیر شکست‌های عاطفی و احساسی شاعر در دوران جوانی و میانسالی در اشعارش مشهود و قابل‌بحث است. مسائلی همچون طلاق سیمین از همسر اول، خاطرات تلخ کودکی از جدایی والدین و اثرات آن بر زندگی او تا پایان عمر شعرش قابل‌درک است. شکایت‌های شخصی شاعر در مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» و «چلچراغ» بر مبنای رنج عشق، هجران، گذر عمر و همچنین شکست‌های زندگی سروده شده و نمودی کاملاً حقیقی از بدبینی او نسبت به زندگی دارد. در این اشعار می‌توان عاطفه‌ی شاعر و من شخصی او را به‌وضوح دریافت و مرجع کینه، اندوه و اعتراض را شناخت. تفاوت بارز دو مجموعه در تغییر نگرش شاعر به مقوله‌ی عشق و اجتماع است که در مجموعه‌ی «یک دریچه آزادی» به پختگی و کمال بیشتری نسبت به مجموعه‌ی «چلچراغ» رسیده است. شکوه‌های شخصی سیمین که در هر دو مجموعه قوت بیشتری دارد، می‌تواند خوانندگان خود را به تأمل و اندیشیدن درباره‌ی رنج زندگی شاعر ترغیب کند.

منابع

- ابومحسوب، احمد. (۱۳۹۸). گهواره سبزافرا «زندگی و شعر سیمین بهبهانی». تهران: ثالث.
- باباصفیری، علی‌اصغر؛ فراچی، مرضیه. (۱۳۸۹). «شکواییه در شعر خاقانی». تحقیقات و ادب فارسی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۳، صص ۱۷-۳۰.
- باباصفیری، علی‌اصغر؛ طالب‌زاده، نوشین. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل شکواییه‌های اجتماعی در شعر معاصر». ادبیات پارسی معاصر، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۱۲، صص ۳۱-۵۳.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۹۷). مجموعه اشعار سیمین بهبهانی. تهران: نگاه.

جعفری، زهره؛ نصرتی، عبدالله. (۱۳۹۴). «مقایسه‌ی ارزش‌ها در اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی». *ادبیات فارسی بهارستان سخن*، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲۸، صص ۶۹-۹۲.

حسن‌لی، کاووس. (۱۴۰۱). *گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران*. تهران: ثالث.
حسین پورچافی، علی. (۱۳۸۴). *جریان‌های شعر معاصر فارسی*. تهران: امیرکبیر.
حسین‌پور، رؤیا. (۱۳۹۷). *تحلیل شکوایه در دیوان چهار شاعر سبک هندی: حزین لاهیجی، نظیری نیشابوری، غنی کشمیری و واعظ قزوینی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.

حیاتی، سیاف؛ ایزدیار، محسن. (۱۴۰۰). «انواع شکوایه در اشعار نیما یوشیج». *کاوش‌نامه‌ی زبان و ادبیات فارسی*، دوره‌ی ۲۲، شماره‌ی ۴۹، صص ۲۰۱-۲۳۳.
خان‌محمدی، محمدحسین. (۱۳۹۴). *چشم‌اندازی بر ادبیات غنایی ایران*. تهران: مهر امیرالمؤمنین.

رزمجو، حسین. (۱۳۹۰). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
رستگارفسائی، منصور. (۱۳۷۲). *انواع شعر فارسی*. شیراز: نوید.
زرقانی، مهدی. (۱۳۹۱). *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*. تهران: ثالث.
شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط*. تهران: سخن.
شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). *انواع ادبی*. تهران: میترا.
صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: فردوس.
طیّبی، آزاده و همکاران. (۱۴۰۲). «شکایت در مجموعه شعر «خطی ز سرعت و آتش» سیمین بهبهانی از نگاه رمانتیسزم». *مکتب‌های ادبی*، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲۲، صص ۵۷-۸۴.
ظفری، ولی‌الله. (۱۳۸۸). *حبسیه در ادب فارسی*. تهران: امیرکبیر.

عابدی، کامیار. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر شعر فارسی در سده‌ی بیستم*. تهران: جهان کتاب.
————— (۱۳۹۷). *سیمین بهبهانی شاعر و تکاپوگر مدنی*. تهران: جهان کتاب.
کریمی‌اصلی و همکاران. (۱۳۹۹). «تحلیل محتوایی شکوایه‌ها در شعر دوره‌ی مشروطه با تأکید بر اشعار میرزاده‌ی عشقی». *مطالعات زبان و ادبیات غنایی*، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۳۴، صص ۴۹-۶۲.

۱۱۰ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۶، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۴۰۳ (پیاپی ۶۰)

مددی، زهرا. (۱۴۰۰). سیر تطور زبان غنائی در منظومه‌های داستانی: از ابتدا تا آخر دوره تیموریان. تهران: ویراست.

واحد، اسدالله؛ نوری‌باهری، محمدعلی. (۱۳۹۱). «نقد و بررسی شکواییه‌های سیاسی در قرن ششم». *زبان و ادب فارسی*، دوره‌ی ۶۵، شماره‌ی ۲۲۵، صص ۱۴۴-۱۶۴.